

پیشنهاد سازوکاری برای رفع ابهام معماران منظر و طراحان شهری در حوزه های مشترک

سینارزاقی اصل *

محسن فیضی **

مصطفی بهزادفر ***

A Proposed Mechanism for Bridging Landscape Architects and Urban Designers in Common areas

Mohsen Faizi* Ph.D
Mostafa Behzadfar** Ph.D
Sina Razzaghi Asi*** Ph.D Student

Abstract

Urban Design and Landscape Architecture are designated as new arts /sciences that are formed through combination of different artistic & scientific disciplines. The formal Emerge of urban design happened in 1960's while landscape architecture existed in the beginning of 20th century. Success of the fields even after a century can mainly attributed to their focus on environmental quality of public realms in cities. The modernity of two fields and participations regarding the goal and their view to the aspects of public realms, resulted in the ambiguous definitions which made their distinguished difficult. This article reviews background features of the two fields such as definitions and approaches to understand concepts and signify separation and subscription points with suitable suggestions at the end. The Expansion of activity zones, interaction and ambiguous roles of the two disciplines in design of urban environments cause the below questions:

Why do the ambiguous roles and duties between two fields form?

The Comparative analysis of literature related to the above interaction show that factors such as similarities between two fields, inter approaches and expanded area of them are the most important reasons for ambiguous roles. On the other hand, the content analysis of literature about filling the gap between the two disciplines explain that items such as professional interaction, common educational contents, identify professional roles and new approaches are the most important criteria for this phenomena

Keywords

Landscape Architecture, Urban Design, Urban Environment, Professional Roles

چکیده

طراحی شهری و معماری منظر به مثابه دو شاخه مستقل از دانش های معماری و شهرسازی در طی قرن پیشین و عمدتاً به دلیل اهمیت یافتن مسئله کیفیت عرصه های همگانی و عمومی شهرها و حوزه های پیرامونی آنان مطرح شده است. امروزه گسترش مفاهیم و مبانی نظری رشته های طراحی شهری و معماری منظر و همپوشانی آنها در فرایند ارتقای کیفیت عرصه های عمومی شهری و منطقه ای از تئوری تا عمل، بر میزان سردرگمی و ابهام نقش و حیطه های فعالیت، میان این دو افزوده است. گسترش حیطه های فعالیت، تداخل حوزه های کاری و وجود ابهام در نقش و جایگاه هریک از رشته های طراحی شهری و معماری منظر در طراحی محیط های بیرونی، آینده این رشته ها را با سوال اساسی زیر مواجه ساخته است:

"چرا معماران منظر و طراحان شهری در طراحی محیط های بیرونی، با ابهام در نقش و حوزه وظایف در قبال یکدیگر مواجه شده اند و اصولاً چه راه حل هایی برای برون رفت از این مشکل وجود دارد؟"

بررسی تطبیقی - تحلیلی سوابق موضوع حاکی از آن است که صاحب نظران عمده دلایل تداخل و ابهام نقش میان حرفه مندان را در قالب دسته های "اشتراکات فراوان نظری و عملی"، "رویکردهای میانی دو رشته" و "گسترش حیطه و نوع فعالیت های دو رشته" عنوان کرده اند. از طرفی تحلیل محتوای ادبیات موضوع در خصوص رفع و پر نمودن خلأ دانشی - حرفه ای میان دو رشته معماری منظر و طراحی شهری به استنتاج یکسری مولفه ها و راهبردهای کلی شامل: "همکاری و تعامل دو رشته"، "محتوای آموزشی مشترک"، "تعیین نقش های حرفه ای ضابطه مند" و "ایجاد رشته یا رویکرد میان رشته ای جدید" می انجامد.

واژگان کلیدی

معماری منظر، طراحی شهری، محیط شهری، نقش های حرفه ای.

s_razzaghi@iust. ac. ir

mfaizi@iust. ac. ir

m_behzadfar@iust. ac. ir

* پژوهشگر دکتری معماری با گرایش منظر، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

** دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

*** دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

* Ph.D Candidate of Architecture, Iran University of Science and Technology

** Associate Professor, Iran University of Science and Technology

*** Associate Professor, Iran University of Science and Technology

مقدمه

در توسعه محیط مصنوع، حرفه - دانش‌های مختلفی باید به طور سازنده با اندرکنش مثبت و هم پیوند به کار آیند. این جریان باید در تمامی سطوح اعم از آموزش، برنامه‌ریزی، طراحی، مدیریت، اجرا و بهره‌برداری در نظر گرفته شود. برای ایجاد و خلق یک محیط همگانی بیرونی خوب؛ همکاری و تعامل مطلوب میان عناصر سازنده مکان شامل: مردم، سازندگان، مدیران و متخصصین (طراحان، برنامه‌ریزان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و...) باید برقرار شود. در این میان، قشر طراحان شامل: معماران منظر و طراحان شهری به عنوان دو حرفه اصلی طراحی محیطی، از نقشی محوری و راهبردی برخوردارند. همان‌طور که تعامل میان مردم، سازندگان، طراحان و مدیران بایستی صورت پذیرد، این تعامل در میان خود قشر طراحان و متخصصین نیز از اهمیتی دوچندان برخوردار است. چرا که بدون اتفاقی نظر تخصصی و همکاری همه‌جانبه، برقراری تعامل سازنده غیرممکن بوده و تداخل غیرسازنده و مخرب میان این رشته‌ها با پیش زمینه‌های فکری و عملی تقریباً مشابه و مشترک، رخ خواهد داد. این درحالی است که در واقعیت، موضوعاتی که با معماری منظر و طراحی شهری ارتباط دارد، در همه بخش‌ها، مرز بین هم پیوندی و تعامل سازنده، مخدوش و مسئله‌دار است. توسعه زمانی سازنده است که شامل هم پیوندی باشد.

بر این مبنا بخش‌های مسئله‌دار از جریان سازندگی دلایل مختلفی را با خود حمل می‌کند که یکی از آنها ناسازگاری جریان تعامل حرفه‌ای - آموزشی در رشته‌های مذکور است. این امر هم در سطح جهانی و هم در سطح کشورهایی مثل ایران مشهود است [Kriger, 2009 ; ASLA, 2009 ; Lang, 2005; Shirvani, 1985 ; Madanipour, 2006; Thompson, 1998]. مروری بر نوشته‌ها و گفته‌ها در این خصوص، نشان از وجود نقاط افتراق و اشتراک فراوان ماهوی و رویه‌ای در مبانی و اصول این دو رشته دارد. بررسی شرایط موجود نشان می‌دهد که تداخل دانشی و حرفه‌ای میان دو رشته، شامل دو نوع جغرافیایی و دانشی است. دسته اول، عمدتاً به دلایل جدید بودن دو حرفه، کمبود تجارب حرفه‌ای موفق و ارزشمند، اختلاط حوزه‌های مسئولیتی؛ عدم هماهنگی میان عناصر دخیل در فرایند تهیه و اجرای طرح و مانند آن در کشورهای در حال توسعه همچون ایران به چشم می‌خورد. اما تداخل دانشی موردی است که نیازمند پژوهش‌های گسترده و بنیادین در این حوزه است. دغدغه خاطر کشف و تحلیل هم‌پوشانی و تداخل دانشی حرفه‌ای میان دو رشته به منظور اتخاذ ساز و کاری برای رفع ابهام در حوزه‌های فعالیتی مشترک؛ ایده، خواستگاه و ضرورت اصلی نوشتار مورد نظر را تشکیل می‌دهد.

این مقاله در بخش نخست به معرفی اجمالی رشته‌های معماری منظر و طراحی شهری می‌پردازد. در بخش بعدی عمده دلایل شکل‌گیری تداخل دانشی - حرفه‌ای میان دو رشته مورد بررسی قرار می‌گیرد. رویکردها و نظریات صاحب‌نظران و متخصصین حوزه‌های معماری منظر و طراحی شهری در خصوص ساز و کار ارتباط و تعامل میان دو رشته به منظور رفع ابهام، قسمت سوم از نوشتار را تشکیل می‌دهد. در انتها نیز به جمع‌بندی و ارائه توصیه‌ها پرداخته می‌شود.

مروری بر مبانی دو رشته

خیل تعاریف ارائه شده از سوی اندیشمندان طراحی شهری، معماری و معماری منظر در خصوص رشته‌های طراحی شهری و معماری منظر بر مبنای سیر تاریخی و تحولات مفهومی که در مبانی و حوزه‌های فعالیتی دو رشته رخ داده، در حال تکمیل است. بر این اساس غالب تعاریف ارائه شده از سوی متقدمین به دلیل عدم تطابق آنها با شرایط امروزی و تحولات شهرسازی و شهرنشینی، از جامعیت کافی برخوردار نیست. با این حال اشارات متقن و پایه‌ای پنهان در بسیاری از این تعاریف همچنان به عنوان اصول و خط قرمزهای این حرفه - دانش‌ها محسوب می‌گردند. تأکید بر فرم کالبدی، ایجاد ارتباط، سه بعدی بودن، زیباشناسی، اصول هنری از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های مطرح در این حوزه بوده است [Gosling, 1984; Cook, 1980; Moughtin, 1995; Cullen, 1961; Gutheim, 1994]. "فرهنگ تخصصی انگلیسی شهرسازی" معنی واژه "طراحی شهری" را چنین بیان نموده است: طراحی شهری فرایند مشارکتی و منضبط شکل دادن به جنبه‌های کالبدی برای زندگی در شهرها، شهرهای کوچک و روستاها، همچنین هنر ایجاد مکان‌ها و طراحی در متن شهری است [Cowan, 2005: 416]. "طراحی شهری هنر ایجاد مکان برای مردم است و شامل چگونگی کارکرد فضاها و مسایلی مانند ایمنی جامعه و نیز ظاهر آنهاست" [DETR, 2000]. در واقع طراحی شهری حرفه - دانشی

است که با دغدغه خاطر کیفیت ویژگی‌های محیطی (فضا - مکان) به ساماندهی شهر و عرصه‌های همگانی جمعی و بیرونی آن می‌پردازد. "لینچ" هدف اصلی طراحی شهری را ارتقای کیفیت محیط کالبدی انسان و از آن طریق ارتقای کیفیت زندگی عنوان می‌کند.

چنانچه تعریف "کوآن" در فرهنگ شهرسازی را بپذیریم، ایجاد مکان، زمینه‌گرایی و مشارکت مردمی به عنوان سه اصل مفهومی در طراحی شهری مطرح است. چنانچه مؤسسه انگلیسی دتر (DETR) با همکاری کیب (CABE) در مجموعه "به کمک طراحی" (۲۰۰۰) بر ایجاد مکان مناسب به عنوان مهم‌ترین هدف و آرمان طراحی شهری تأکید می‌ورزند. چنین رویکردی یعنی "هنر ایجاد مکان" امروزه به عنوان هدف و ماهیت اصلی طراحی شهری شناخته می‌شود که پس از گذار از مراحل طراحی شهری بصری - هنری و طراحی شهری اجتماعی، مطرح شده است. این رویکرد هر دو مرحله پیشین را در نظر دارد و با رویکردی پایدار و زیبایی شناسانه به طراحی و ساماندهی و در نهایت خلق مکانی مناسب زندگی انسان اهتمام می‌ورزد.

مطابق چنین رویکردی، "راهنمای برنامه‌ریزی انگلستان" بیان می‌دارد که طراحی شهری باید به معنای رابطه میان ساختمان‌ها و خیابان‌ها، میدین، پارک‌ها و سایر فضاهایی که عرصه همگانی را شامل می‌شود و همچنین رابطه یک بخش از یک روستا، شهر کوچک یا شهر با سایر بخش‌هایش باشد. مطابق مؤسسه پروژه‌های فضاهای عمومی (PPS)، سیاست‌هایی برای هدایت فعالیت‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری در سطح ملی توسط دفتر معاونت نخست‌وزیری بریتانیا ارائه می‌شود. در همین ارتباط این مجموعه (PPS) نیز ساماندهی و طراحی عرصه‌های همگانی و عمومی در سطح شهرها را مهم‌ترین وظیفه طراحان شهری می‌داند. این مؤسسه با ذکر مثال‌های فراوانی از پروژه‌های اجرا شده در جهان بر اهمیت این نقش تأکید می‌ورزد. بدین ترتیب طراحی شهری، در فصل مشترک چهار رشته معماری، برنامه‌ریزی شهری، معماری منظر و مهندسی عمران قرار دارد، لیکن به لحاظ جایگاه قانونی بخشی از نظام رسمی برنامه‌ریزی کشور محسوب می‌شود و از این رو به عنوان قسمتی از فعالیت "برنامه‌ریزی فضایی" به همراه رشته‌های "برنامه‌ریزی کاربری زمین"، "برنامه‌ریزی زیست‌محیطی"، "برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی"، "برنامه ریزی حمل و نقل" و "برنامه‌ریزی زیرساخت‌ها" مجموعاً جامعه میان رشته‌ای لازم جهت انجام "طراحی شهر" را ایجاد می‌نماید [گلکار، ۱۳۸۶: ۱۵].

در "فرهنگ تخصصی انگلیسی شهرسازی"، معماری منظر به عنوان "هنر و علم برنامه‌ریزی و طراحی فضای بیرونی برای کاربرد و سرگرمی انسان" عنوان شده است [Cowan, 2005:212]. "معماری منظر؛ هنر، دانش و حرفه ای میان رشته ای است که ساماندهی و طراحی فضاهای بیرونی موضوع کار آن است. بر خلاف رشته معماری که توجه خود را به طراحی توده و ساختمان معطوف می‌دارد، معماری منظر به فضاهای باز و آزاد نظر دارد که تنوع کارکرد آن در جوامع پیشرفته دنیا به شدت در حال فزونی است" [منصوری، ۱۳۸۳: ۷۰]. معماری منظر با هدف ساماندهی مطبوع محیط، به طراحی عرصه‌های باز و فضاهای بیرونی می‌پردازد.

"پل اسپریدگان" تعریفی از معماری منظر مطرح نموده است. وی می‌نویسد: "تجزیه و تحلیل زمین با ملاحظه فرایندهای طبیعی و تولید مجدد این فرایندها از طریق طراحی با توجه به نیازهای اجتماعی و انسانی، معماری منظر است" [shirvani, 1984:21]. "نیوتن" با تعبیری متفاوت اما هم‌معنا، معماری منظر را "هنر یا علم تنظیم زمین برای قرارگیری مناسب اشیاء و فضاها بر روی آن با حفظ کاربری مطلوب، کارا و ایمن بشر" تعریف می‌کند [Newton, 1971: 51].

"تام ترنر" معماری منظر را "هنر ترکیب فرم زمین، آب، گیاه، ساختمان‌ها، کفسازی و اقلیم برای ایجاد فضای بیرونی خوب" معرفی می‌کند [ترنر، ۱۳۷۶: ۲۸۳]. "انجمن معماران منظر آمریکا"، معماری منظر را چنین تعریف می‌کند: "معماری منظر؛ هنر و علم تحلیل، برنامه‌ریزی، طراحی، مدیریت، محافظت و ترمیم زمین است" [ASLA, 2009]. بدین ترتیب عمده توجه معماری منظر به عنصر زمین در فضاهای بیرونی و همگانی است. چرا که زمین به مثابه بستر قرارگیری اشیاء از نقشی محوری در طراحی برنامه‌ریزی سایت برخوردار است. چنانچه واژه "Landscape" بر همین مسئله تأکید می‌ورزد.

این حرفه قرابت زیادی با معماری، طراحی محیطی و طراحی شهری دارد. بسیاری از حوزه‌های تخصصی با هم همپوشانی دارند و دغدغه‌های مشابهی میان حرفه‌ها وجود دارد. با این وجود برای مشخص کردن تفاوت میان آنها، معماری غالباً بر ساختمان‌ها تأکید می‌کند، و طراحی و برنامه‌ریزی شهری بر زمینه وسیع‌تری از جامعه تأکید دارد. اما معماری منظر است که هم بر تحلیل مقیاس‌های کوچک و هم مقیاس بزرگ از فضا تأکید داشته و بر فهم ارتباط میان یک مکان با جامعه وسیع‌ترش می‌پردازد. ریشه‌های این حرفه در ارتباط میان انسان‌ها و منظر زمین جای می‌گیرند.

۱. تداخل میان معماری منظر و طراحی شهری

بررسی تطبیقی - تحلیلی سوابق موضوع در خصوص تداخل و آمیختگی مبانی و رویکردهای دو رشته معماری منظر و طراحی شهری حاکی از آن است که صاحب‌نظران، عمده دلایل این تداخل را در قالب دسته‌های "اشتراکات فراوان نظری و عملی"، "بروز رویکردهای میانی دو رشته" و "گسترش حیطة و نوع فعالیت‌های دو رشته" عنوان کرده‌اند.

۱.۱. اشتراکات فراوان نظری و عملی

"شیروانی" در مقدمه مقاله خود با عنوان "نقش معماری منظر در طراحی شهری"، به اشتراک تاریخی دو حرفه اشاره می‌کند و می‌نویسد: "در سال‌های اخیر، طراحی شهری بیشترین وابستگی را به معماری منظر نشان داده است. در مقیاسی وسیع دلیل این امر این است که برنامه‌ریزی و طراحی شهری ریشه خود را از معماری منظر می‌گیرند، و این در حالی است که امروزه این تأثیر حتی خیلی جدی‌تر از آن ادامه دارد" [shirvani, 1984].

"یان تامپسون" (۱۹۹۸)، استاد دانشگاه نیوکاسل، در مقاله خود با عنوان "طراحی شهری و معماری منظر: دو حرفه، یک هدف؟" در فصلنامه "طراحی شهری" شماره ۶۵ با موضوع "معماری منظر و طراحی شهری"، به هم‌پوشانی میان دو رشته بر مبنای عقاید خود و تعدادی از معماران منظر می‌پردازد و عقیده دارد که این دو حرفه مشترکات بسیاری با یکدیگر دارند. یان تامپسون در بخش دیگری از همان مقاله می‌نویسد:

"در شهرها، معماران منظر و طراحان شهری با یک دغدغه مشترک برای کیفیت زندگی شهری متحد می‌شوند و با این باور که کیفیت زندگی می‌تواند به وسیله مداخلات مثبت در عرصه عمومی تقویت شود" [Thompson, 1998].

"ساساکی" استاد دانشگاه هاروارد و جزء بنیانگذاران حرفه طراحی شهری در کنگره سیام ۱۹۵۶، در آستانه ایجاد رشته جدید طراحی شهری در دانشگاه هاروارد لزوم آمیختگی این رشته را با معماری منظر در قالب یک برنامه آموزشی پیشنهاد داد [Mossop, 2006 : 167]. "جیمز کرنر" آمیختگی دو رشته را در قرن آینده و نیز در قالب رویکردهایی همچون شهرسازی منظر اجتناب‌ناپذیر می‌داند [Beilharz, 2004 : 50]. مطابق این رویکرد، معماری منظر می‌تواند مجدداً با ساخت شهر درگیر شود و یک نقش سیاسی بیشتر و روشن را در مباحث پیرامون شهرگرایی، تأسیسات عمومی، توسعه، طراحی شهری و پایداری محیطی داشته باشد [فیضی و رزاقی، ۱۳۸۷].

"جان لنگ" در کتاب "طراحی شهری - گونه‌شناسی مراحل و محصولات"، عنوان می‌کند که "طراحی خیابان‌ها، میداين، پارک‌ها و سایر فضاهای عمومی که غالباً به طراحان شهری رجوع داده می‌شود توسط بسیاری از معماران منظر انجام شده است و تعداد زیادی از جوایز معتبر همانند "برنز" که به طراحی شهری اختصاص دارد، با همکاری و مشارکت فعال معماران منظر دریافت شده است". بسیاری از رشته‌ها به کیفیت عرصه عمومی شهرها و سایر سکونتگاه‌های انسانی توجه دارند. شهرسازها و معماران منظر در این علایق شریک‌اند [لنگ، ۱۳۸۶ : ۱۳].

شیروانی (۱۹۸۴) عمده فعالیت‌های معماران منظر را در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی و پیش از آن، فعالیت‌هایی از قبیل: توسعه‌های جدید، برنامه‌ریزی اراضی مسکونی و اجتماعات برنامه‌ریزی شده، بازسازی محلات درون شهری و استفاده بهینه از قطعات خالی میان بافت شهر و همچنین برنامه‌ریزی عمومی شامل: برنامه‌های طراحی شهری متداول و طرح‌های جامع و تفصیلی و تهیه

دستورالعمل‌های طراحی شهری بر می‌شمارد. وی در ادامه علت گستردگی فعالیت معماران منظر و انجام پروژه‌های طراحی شهری توسط آنها را در این می‌داند که طراحی شهری ریشه خود را از معماری منظر گرفته است. حرفه معماری منظر به طور نزدیکی وابسته به معماری، طراحی محیطی و برنامه ریزی است. بسیاری از حوزه های تخصصی دو رشته باهم همپوشانی دارند و بسیاری از دلمشغولی های مشابه میان این حرفه ها وجود دارد [Gavitt, 2007:22].

۱.۲. بروز رویکردهای میانی دو رشته

با بررسی ظهور رویکردها و گرایش‌های میان رشته‌ای معماری منظر و طراحی شهری می‌توان آنها را به چهار دسته اصلی تقسیم بندی کرد که در جدول ذیل معرفی شده‌اند. (جدول ۱)

خصوصیات رویکرد	رویکردهای میانی دو رشته معماری منظر و طراحی شهری
آموزش پیش زمینه‌های فکری و نظری طراحی شهری به معماران منظر علاقه مند به کار در حوزه‌های شهرسازی و پروژه هایی با مقیاس وسیع	کارشناسی ارشد معماری منظر در طراحی شهری دانشگاه هاروارد ۲۰۰۶
توصیفی از یک مدل در حال ظهور برای تجربه حرفه‌ای معماری منظر و طراحی شهری - منظر در این دیدگاه تأکید مرکزی توسعه شهری به حساب می‌آید که ساختمان‌ها و بقیه زیرساخت‌های اصلی شهر باید پیرامون و در ارتباط با منظر طراحی شود.	شهرسازی منظر چارلزوالدهیم و جیمز کرنر ۱۹۹۶
ادغام رشته‌های معماری منظر، طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری در قالب یک برنامه آموزشی حرفه - محور ۵ ساله	برنامه آموزشی "طراحی شهری / معماری منظر" دانشگاه استرالیاد RMIT ۲۰۰۶
توجه به مسایل زیست‌محیطی و اکولوژی در طراحی شهری که تا پیش از آن مهمترین دغدغه معماران منظر به شمار می رفت.	طراحی شهری سبز کلیف ماتین ۲۰۰۵

جدول ۱. مهمترین رویکردهای ظهور یافته میان دورشته معماری منظر و طراحی شهری در آموزش و حرفه
 مأخذ : جمع بندی بر مبنای Moughtin, 2005 ; RMIT, 2006 ; Waldheim, 2006

بر مبنای جدول فوق، اهداف مشترک رویکردهای میانی رشته‌های معماری منظر و طراحی شهری را می‌توان در محورهای زیر در نظر گرفت :

- تقویت و گسترش نقش‌های حرفه‌ای و میانی نظری دو رشته به دلیل جوانی و ناکارآمدی در جریان توسعه شهری؛
- ایجاد توانایی در معماران منظر و طراحان شهری برای کار مشارکتی در توسعه محیط مصنوع بیرونی؛
- تقویت موضوعات طبیعت و اکولوژی در طراحی شهری و جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی در معماری منظر؛
- برقراری ارتباطی معنادار میان ساختارهای طبیعی و مصنوع و بافت میان آنها از طریق افزایش آگاهی نسبت به رشته‌های مرتبط؛

- توجه همه جانبه و بیشتر به فضای باز به عنوان عنصر اصلی ساخت شهر؛
- پرکردن خلأ میان هنر، معماری، شهرسازی و معماری منظر؛
- فهم مسایل پیچیده شهرهای معاصر و ارائه راه حل‌های مناسب در مورد آنها.

(Gray,2005 ; Berman, 2007 Pollak,2006 ; Shane,2003 ; Waldheim,2006 ; Kesner et. al, 2002 ; Corner, 2006 ; Lindholm, 2007 ; Beilharz,2004)

۱.۳. گسترش حیطة و نوع فعاليت‌هاى دورنشته

اگر چه مطالعات صورت گرفته در حوزه پروژه‌ها و حوزه عمل و نیز انتشارات مبانی نظری دو رشته در سطح جهان حاکی از رشد و گسترش دامنه و محدوده فعالیت معماران منظر و طراحان شهری در حوزه‌های شهری و فراشهری است و خود به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها در تعامل میان دو رشته اهمیت دارد اما فقدان توجه به آن در میان حرفه‌مندان مشهود است.

دلایل با ماهیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در طراحی شهری به عنوان ابزاری در جهت رونق اقتصادی شهرها توجیه شده و تداوم می‌یابد. بدین ترتیب که ساختار و فرم شهری وسیله‌ای برای جذب سرمایه و طبقات اجتماعی خاص از مردم شده است و وظیفه حرفه طراحی شهری، ایجاد یک تصویر ذهنی مطلوب و با کیفیت است که از جمله دلایل گسترش و رشد این رشته در دهه‌های اخیر شده است [گلکار، ۱۳۷۸].

یان تامپسون چنین اعتقاد دارد که: هدف معماری منظر همان‌طور که تام ترنر در سخنرانی دانشگاه گرینویچ بیان کرد "ساختن مکان‌های خوب" است. در زمان طولانی که غالب این مکان‌ها روستایی بود؛ معماران منظر جنگل‌ها و پارک‌های کشور، معادن زغال‌سنگ احیاء شده و معادن سنگ را طراحی و به بهبود بخشی تأثیر جاده‌ها یا خطوط برق کمک کردند. البته این فعالیت‌ها هم‌اکنون نیز ادامه دارند، نکته جالب توجه، دامنه فعالیت معماری منظر است لاقلاً در انگلستان که در جریان دو دهه، به یک حرفه با درگیری و دلمشغولی وسیع در مورد محیط‌های شهری تبدیل شده است [Thompson,1998]

امروزه با رشد و تکامل نقش و جایگاه طراحی شهری در جوامع حرفه‌ای معماری و شهرسازی، حوزه‌های فعالیتی طراحان شهری بیش از پیش روشن شده است. چنانچه تا پیش از مطرح شدن دانش طراحی شهری طراحی فضاهای باز عمومی شامل: پارک‌ها، فضاهای باز شهری و مناطق تفریحی عمدتاً توسط معماران و معماران منظر انجام می‌شده است. بدین ترتیب معماران منظر عموماً بیش از غالب متخصصین در رسیدن به هدف طراحی شهری یعنی ایجاد مکان مناسب برای همه موفق بوده‌اند. با این تعبیر، نقش آنان را در تکامل تدریجی حرفه طراحی شهری و کمک به شکل‌گیری فضاهای جمعی زیبا و موفق در سراسر دنیا بالاخص اروپا و آمریکا نبایستی نادیده انگاشت [لنگ، ۱۳۸۶].

گرایش عمده حرفه معماری منظر بیشتر بر روی طراحی در مقیاس سایت انفرادی، برنامه‌ریزی حفاظت بنا و موضوعات بصری و بهبود تأثیر توسعه متمرکز شده است. انتقال معماری منظر به یک رشته حرفه‌ای کامل و بالغ در فاصله ۱۹۸۰-۱۹۶۰ صورت گرفت. گسترش مقیاس و حوزه‌های فعالیتی معماری منظر از نمودهای این دوره به شمار می‌رود. بسیاری جذب ایجاد ساختارهای آکادمیک برای حمایت از گسترش این رشته شدند. در این دوران دو پارادایم قدرتمند در تأثیرگذاری و شکل‌دهی به مسيرذهنی معماری منظر مؤثر واقع شدند:

۱. دید جهانی مبنی بر جدایی انسان از طبیعت؛

۲. شکاف میان طراحی و محیط در دل معماری منظر [Mossop, 2006 : 172].

از زمان آغاز به کار معماران منظر با تنوعی از برنامه‌ریزی، طراحی و فعالیت‌های مدیریتی و نیز تنوعی از مقیاس‌های متفاوت مواجه بوده‌اند. اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد بسیاری از آنها پی به افزایش بارز مقیاس، پیچیدگی و تنوع زمینه‌کاری و حدود اختیارات کاری بردند. آلبرت فین (۱۹۷۷) در مطالعه بر روی حرفه معماری منظر، ظهور این تنوع در حال افزایش را به ویژه نتیجه علایق میان دانشگاهیان در توسعه و گسترش حوزه‌ها از قبیل برنامه‌ریزی اکولوژیکی می‌داند. البته فین بحث می‌کند که این علایق در حال

گسترش نباید یک تغییر را در تأکیدات معماری منظر سبب شود بلکه باید این حرفه مرزهایش را به منظور در بر گرفتن سایر متخصصین و گروه‌های مؤثر در ساخت و ایجاد محیط به صورتی مشابه با طراحی شهری و چند رشته‌ای گسترش دهد [Brown, 2002: 48].

میلر (۱۹۹۷) مطرح می‌سازد که "رشته معماری منظر بسیار وسیع شده است به گونه‌ای که اعضای متفاوت آن روش‌های متفاوتی برای شناخت چیزها و تعریف مسائل منظر دارند. . . [Brown, 2002:8]."

انجمن معماران منظر آمریکا و ظایف معماران منظر را چنین اعلام می‌دارد:

طراحی منظر: طراحی جزئیات فضاهای باز برای فضاهای مسکونی، تجاری، صنعتی، نهادی و همگانی

طراحی سایت: طراحی فیزیکی و آرایه‌بندی عناصر ساخته شده و طبیعی هر قطعه زمین

برنامه‌ریزی شهری شهرک: طراحی و برنامه‌ریزی شهرها و شهرک‌ها

طراحی منظر منطقه‌ای: طراحی پارک و فضای تفریحی، خلق یا بازطراحی پارک‌ها و مناطق تفریحی در شهرها، حومه‌های شهر و مناطق روستایی

برنامه‌ریزی توسعه زمین: در مقیاس بزرگ و قطعات چندهکتاری زمین بایر و سایت‌هایی با مقیاس کوچک‌تر در مناطق شهری، روستایی و تاریخی

طراحی و برنامه‌ریزی بوم‌شناختی: بررسی تعامل بین مردم و محیط طبیعی

نگهداری و آبادسازی سایت‌های تاریخی: شامل پارک‌ها، باغ‌ها، زمین‌ها، آب‌نماها، تالاب‌ها

جنبه‌های اجتماعی و رفتاری طراحی منظر: معطوف بر بعد انسانی و نیازهای او در طراحی [ASLA, 2009].

با توجه به موضوعات و حوزه‌های فوق مشخص می‌شود که امروزه طیف فعالیت‌های معماران منظر از طراحی جزئیات برای محوطه‌های کوچک تا کار بر روی جنبه‌های برنامه‌ریزانه و طراحی مناظر منطقه‌ای متنوع است و فعالان منظر به طراحی در حوزه‌ها و مقیاس‌های متنوعی از فضاهای شهری کوچک تا اکوسیستم‌های کامل مشغول هستند [Beardsley, 2000:2].

۲. راهبردهای رفع ابهام در حوزه های مشترک

تحلیل محتوای ادبیات موضوع در خصوص برطرف نمودن تداخل حرفه‌ای و دانشی میان دو رشته معماری منظر و طراحی شهری به استنتاج یکسری مؤلفه‌ها و راهبردهای کلی شامل: "تأکید بر همکاری حرفه‌ای مستقیم دو رشته"، "محتوای آموزشی مشترک"، "تعیین نقش‌های حرفه‌ای ضابطه‌مند" و "ایجاد رشته یا رویکرد میان رشته‌ای جدید"، با محوریت "ایجاد انسجام و سازگاری میان دو رشته" می‌انجامد.

۳. ۱. تأکید بر همکاری حرفه‌ای مستقیم بین دو رشته

دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملیورن بیان می‌دارد که "طراح شهری بر لازمه اشتراک و همکاری حرفه‌ای میان معماران، معماران منظر، برنامه‌ریزان و جغرافی‌دانان تأکید می‌کند" [The University of Melbourne, 2005]. طرح‌های طراحی شهری نیاز به همکاری بین رشته‌ای طراحان شهری، معماران، معماران منظر، شهرسازان و مهندسان سیویل و محیط زیست دارد [انجمن شهرسازی آمریکا، ۱۳۸۶: ۳۴].

مسلم است که طراح شهری باید از مهارت‌های طراحی بهره مند باشد. وی باید یا خود قادر به پذیرش وظیفه طراحی باشد و یا از طریق همکاری با دیگر رشته‌های تخصصی مرتبط، این امر را محقق سازد [Lu, 1982:128] در واقع از آنجا که طراحی شهری بر

مهارت‌های تحلیلی و سیاستی، بیشتر از مهارت‌های طراحی تأکید می‌ورزد (بالاخص در شرایط ایران) می‌تواند از معماران منظر در بعد طراحی بهره بگیرد.

گارت اکبو (۲۰۰۰) در مقاله "معماری و منظر، منظر و معماری"، مطرح می‌سازد که تأکید رشته معماری منظر با همکاری حرفه‌ای‌هایی که دغدغه خلق فرم‌های بهینه، توالی‌های فضایی و الگوهای کاربری زمین را دارند (طراحان و برنامه‌ریزان شهری)، بر فضای بیرونی برای کاربرد مردم است. "آکس کریگر" در این خصوص می‌نویسد: "معماری منظر در حوزه طراحی شهری قرار می‌گیرد و همکاری میان آن ورشته‌های سیویل و اکولوژی (محیط زیست) است که به خلق طراحی شهری می‌انجامد. بدین ترتیب معماری منظر به عنوان جزء جدایی ناپذیری از فرایند طراحی شهری مطرح است" [Krieger, 2009: 76].

یان تامپسون می‌نویسد: "تا حالا فرصت این را نداشتم که با طراحان شهری در مورد نگرششان نسبت به معماری منظر مصاحبه کنم. ارتباط بین دو حرفه می‌تواند به صورت همکاری یا ستیزه جویی باشد. هر دو حرفه، میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود و در تیم‌های تخصصی طراحی پروژه‌های شهری همکاری می‌نمایند. بنابراین، همکاری و تعاون میان دو رشته هنگامی که در یک پروژه به طور همزمان فعالیت می‌کنند، اهمیت دارد" [Thompson, 1998].

مدت زمان طولانی همکاری میان حرفه‌های طراحی شهری عادی تلقی می‌شد. اما چیزی که در سال‌های اخیر تغییر کرده است توالی و تقدم و تأخری است که برای آوردن طراحان به داخل فرایند طراحی دنبال می‌شود. سال‌ها، یکی از معمول‌ترین رویکردها به طراحی شهری این بود که معماران و مهندسان یک پروژه را از اول هدایت می‌کردند و سپس معماران منظر برای افزودن زیبایی به آن از طریق کاشت وارد می‌شدند. ورود غالب معماران منظر در آخر پروژه برای پوشاندن ساختارهای زشتی بود که به درستی طراحی نشده یا اینکه در وهله نخست نصب شده بودند. در سال‌های اخیر پذیرش وسیع‌تری برای آوردن معماران منظر، اکولوژیست‌ها، سایر دانشمندان و حتی هنرمندان محیطی در گروه‌های طراحی در شروع یا حداقل در مراحل اولیه از فرایند طراحی به وجود آمده است [Beilharz, 2004: 48]. اخیراً تعداد کمی از معماران منظر محدودیت‌های تعریف شده حرفه ایشان را به منظور گسترش مهارت‌هایشان در میان مناطق زیرساختی، قابل برنامه‌ریزی و شهرسازی پیچیده کنار گذاشته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که عناصر معین و قطعی در میان هر یک از حرفه‌های طراحی: معماری، معماری منظر، طراحی شهری در حال حرکت به سوی شکل اشتراکی از عمل باشد [Corner, 2006: 23].

۲.۲. محتوای آموزشی مشترک

بررسی برنامه‌های آموزشی کارشناسی و کارشناسی ارشد طراحی شهری و معماری منظر در دانشگاه‌های دنیا نشان می‌دهد که تمایل به آشنایی با مبانی و مفاهیم رشته‌های طراحی شهری و معماری منظر در هر یک از دو رشته نسبت به یکدیگر روبه فزونی است. در حال حاضر این رویکرد در چند دانشگاه از قبیل تگزاس، برکلی، تورنتو، ملیورن، جورجیا تک و واشنگتن به روشنی مشاهده می‌شود. از طرفی عمده‌تاً چنین رویکردی در دانشگاه‌های آمریکا مشاهده می‌شود که شاید به دلیل پیشینه تأسیس اولیه این رشته‌ها و هم‌نشینی طولانی مدت آکادمیک آنها در طی حدوداً نیم قرن اخیر باشد. (جدول ۲)

رشته معماری منظر	رشته طراحی شهری
۱. طراحی شهری (بال استیت)	۱. تئوری‌های معماری منظر و برنامه‌ریزی محیطی (برکلی)
۲. تئوری طراحی شهری (ملبورن)	۲. معماری منظر (جورجیا تک)
۳. موضوعات معاصر در طراحی شهری (تورنتو)	۳. معماری منظر (ملبورن)
۴. طراحی شهری (تگزاس)	۴. تئوری معاصر منظر (کرتین)
	۵. طراحی منظر در بافت های شهری (واشنگتن)

جدول ۲. بررسی تطبیقی محتوای آموزشی دو رشته با هدف کشف دروس مشترک
 مأخذ: برداشت نگارنده از مقایسه میان محتوای دروس معماری منظر و طراحی شهری در دانشگاه‌های نامبرده

۳.۲. تعیین نقش‌های حرفه‌ای ضابطه مند

برخی صاحب‌نظران بر تعیین نقش‌های حرفه‌ای معماران منظر و طراحان شهری به عنوان راه حل مشخص در تبیین ساز و کار رفع ابهام حرفه‌ای در پروژه‌های توسعه شهری تأکید می‌ورزند. چنانچه اوناران به درستی اشاره می‌کند که "امروزه حرفه‌های متنوعی در طراحی محیطی وجود دارد که همگی مستلزم آموزش حرفه‌ای در مدارس طراحی است. در این مدارس، دانشجویان با نقش‌های حرفه‌ای متفاوتی مواجه می‌شوند" [Onaran, 1996:31]. فهم نقش هر یک از افراد در گروه، به سرعت بخشی مشارکت مناسب و شراکت در حجم کار کمک می‌کند. کلین لغت "تعامل و وضوح بخشی نقش" را برای فهماندن اهمیت درک متقابل برای فرایند مشارکتی بیان می‌دارد. مطابق دیدگاه وی، تعامل آشنا شدن با کار یکدیگر را بنا بر ضرورت انجام یک ارزیابی درست از هر یک از اعضای تیم ایجاد می‌کند. کلین بیان می‌دارد که "مذاکره نقش و وضوح بخشی نقش" به اعضای تیم اجازه می‌دهد که آنچه را که آنها از همدیگر در ارتباط با وضوح بخشی به تفاوت‌ها در روش‌شناسی و تفکر انتظار دارند، ارزیابی کنند [Keating, 2006:120].

بررسی نقش‌های حرفه‌ای عنوان شده از سوی صاحب‌نظران دو رشته نشان می‌دهد که نقش‌های هدایت‌گری، راهبری، مدیریتی، متعادل‌کننده، سیاستی، نظارتی، یکپارچه‌کننده و طراحی در هر دو رشته مشترک است. برای معماران منظر و طراحان شهری دانستن و فهم هر یک از این نقش‌ها در فرایند طراحی فضای باز شهری ضروری خواهد بود؛ چرا که بدون درک صحیح از نقش‌های حرفه‌ای هر رشته، در کلیت عملکرد گروه خلل وارد می‌شود. بر این اساس، نقش‌های حرفه‌ای معماران منظر و طراحان شهری در فرایند طراحی فضاهای باز شهری به سه دسته کلی ۱. نقش طراحی و برنامه‌ریزی ۲. نقش هدایتی و سیاستی ۳. نقش رهبری و مدیریتی، بر مبنای نوع و محصول پروژه و سطوح و مقیاس عمل قابل تقسیم بندی است [Behzadfar, Razzaghi, Faizi, 2010].

۳.۴. ایجاد رشته یا رویکرد میان رشته‌ای جدید

"ادموند بیکن" مطرح می‌کند که "طراحی شهری در آینده باید توسط یک حرفه جامع و کل‌نگر که باید مشتق شود از ترکیب مرزهای میان معماری، معماری منظر و برنامه‌ریزی و طراحی شهری، هدایت شود" [Kesner et. al, 2002:6]. "کوبین باترباق"، انجمن معماران منظر آمریکا (ASLA) و "کولن مک شین" بیان می‌دارند که پروژه در حال پیچیده‌تر شدن، به بهره‌بری از تعامل رشته‌ها نیاز پیدا می‌کند که در مؤسسات آموزشی بر آن تأکید می‌شود [Gavitt, 2007:25]. هانا تذکر می‌دهد که گسترش برنامه درسی ضروری نیست بلکه ادغام آن با سایر رشته‌ها مفید است. وی نیاز به یک "آرایش وسیع از ارتباطات با دانشمندان، مهندسان، معماران، برنامه‌ریزان، آژانس‌ها و سیاستگذاران" را بیان می‌دارد [Gavitt, 2007:26]. لاتوکا (۲۰۰۱) به بهترین وجه تحقیق میان‌رشته‌ای را تشریح نموده است. وی بر پایه تحقیق انجام شده در مرکز تحقیق ابداع آموزشی در پاریس به تعریف مفاهیم و

طبقه‌بندی میان‌رشته‌ای می‌پردازد. "میان‌رشته‌ای" یک صفت است که تعامل میان دو یا تعداد بیشتری از رشته‌های مختلف را توصیف می‌کند. این تعامل ممکن است از ارتباط ساده ایده‌ها تا تعامل دوطرفه مفاهیم سازماندهی، روش‌شناسی، رویه‌ها، معرفت‌شناسی، واژه‌شناسی، داده‌ها و سازماندهی تحقیق و آموزش در یک زمینه نسبتاً وسیعی را شامل شود [Musachio et al. 2005:329].

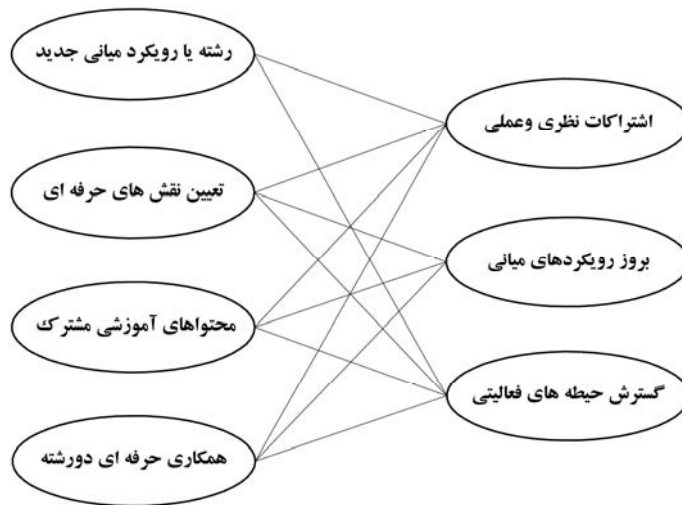
رشته شهرسازی منظر به عنوان یک رویکرد میان‌رشته‌ای جدید، یک نقد کامل از ناتوانی معماری و طراحی شهری را جهت پیشنهاد توصیفات منسجم، شایسته و چشمگیر از شرایط شهری معاصر، پیشنهاد می‌دهد. این رشته به عنوان یک تجدید سازمان رشته‌ای است که در آن منظر جای نقش تاریخی معماری را به عنوان بلوک ساختمانی پایه‌ای طراحی شهری می‌گیرد. "چارلز والدهیم" در سال ۱۹۹۶، شهرسازی منظر را به عنوان توصیفی از یک مدل در حال ظهور برای تجربه حرفه‌ای معماری منظر و طراحی شهری مطرح کرد. منظر در این دیدگاه تأکید مرکزی توسعه شهری به حساب می‌آید که ساختمان‌ها و بقیه زیرساخت‌های اصلی شهر باید پیرامون و در ارتباط و پیوند با منظر طراحی شوند [Beilharz, 2004:55].

نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که ابهام و تداخل شدید حرفه‌ای و دانشی میان دو رشته معماری منظر و طراحی شهری در طراحی محیط‌های شهری به دلایل متفاوتی از جمله اشتراکات فراوان نظری و عملی، بروز رویکردهای میانی و گسترش در مبانی و اصولشان بروز یافته است. از جمله مظاهر چنین رویدادی، انجام بسیاری از پروژه‌های مشابه طراحی محیط است که تشخیص اینکه کدام حرفه آن را تهیه کرده است، دشوار است و یا اینکه رویکردها و گرایش‌های تخصصی بسیار مشابهی در این زمینه وجود دارد. ابهام‌های حرفه‌ای در فرایند تهیه طرح و بروز برخی سوء تفاهمات ناشی از اختلاط و روشن نبودن نقش و جایگاه هریک از حرفه‌های مذکور در جریان سازندگی، از دیگر مظاهر چنین رخدادی است. این نوشتار معطوف به این مسئله بوده و با مرور سوابق موضوع با دیدی تحلیلی - استنباطی، به راه‌حل‌های ارائه شده می‌پردازد.

یافته‌های این نوشتار مبین این نکته است که با محوریت قراردادن نگره تعامل محور بجای رویکردهای تعامل‌ستیز و تداخل‌گرا و وضوح‌بخشی به کانون‌های توجه و دغدغه‌های اصلی هر رشته در طراحی محیط‌های بیرونی شهری، می‌توان تا حد زیادی از بروز اختلاط و تداخلات غیرسازنده که آینده دو رشته را با چالش و حرفه‌مندان آنها را با ابهام مواجه خواهد ساخت، جلوگیری نمود.

در نهایت مدلی مبتنی بر روابط متقابل میان ریشه‌های تداخل و راه‌حل‌های موجود به عنوان ساز و کاری برای کشف روابط و تأثیرات مؤلفه‌های مؤثر و رفع ابهام حرفه‌مندان دو رشته در جریان ساماندهی حوزه‌های مشترک شهری پیشنهاد می‌شود (نمودار ۱). به عنوان مثال وجود اشتراکات فراوان نظری و عملی با بررسی روابط آن با هریک از مؤلفه‌های رویکرد جدید، مبانی آموزشی، تعیین نقش و همکاری حرفه‌ای قابل پیگیری است. برای موارد مذکور سه‌گانه می‌توان ۱۲ ساز و کار عملیاتی و مشترک تبیین نمود؛ به عبارتی دیگر برای هریک از موارد مذکور، ۴ ساز و کار و برای مجموع عوامل متشکله مشکل، ۱۲ نوع رابطه قابل تبیین است. (نمودار ۱)



نمودار ۱. برهم کنش لایه های متشکله مشکل و راه حل
مأخذ: نگارندگان

فهرست منابع

- ترنر، تام. ۱۳۷۶. شهر همچون چشم انداز. ت: فرشاد نوریان. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری تهران.
- فیضی، محسن و رزاقی اصل، سینا. ۱۳۸۷. شهرسازی منظر: رویکردی نوین در معماری منظر و طراحی شهری. نشریه علمی - پژوهشی باغ نظر، سال پنجم، ش ۱۰. ۳۶-۲۷.
- گلکار، کوروش. ۱۳۷۸. کندوکاوی در تعریف طراحی شهری. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. تهران.
- لنگ، جان. ۱۳۸۶. طراحی شهری - گونه شناسی رویه ها و طرح ها. ت: دکتر سید حسین بحرینی. دانشگاه تهران.
- منصوری، سیدامیر. ۱۳۸۳. درآمدی بر شناخت معماری منظر. مجله باغ نظر. ش دوم. صفحات ۷۸-۶۹.
- Beardsley, J. 2001. A Word for landscape architecture. Harvard design magazine, no. 12. pp. 1-6.
- Beilharz, E. D. 2004. Understanding Landscape Urbanism, Unpublished thesis, Master of Landscape Architecture, The University of Texas.
- Berman, J. 2007. Planners, Architects and landscape architects designing New Orleans : Disciplinary differences in developing the united plan, unpublished thesis. Master in city planning, Massachusetts Institute of Technology.
- Brown, K. 2002. Landscape Architecture & Social responsibility : Emerging Concepts from a study of practice, Unpublished PhD dissertation, University of Massachusetts.
- Carmona, M. , T. Heath, T. Oc, S. Tiesdell. 2006. Public Places-Urban Spaces : The Dimensions of Urban Design, Elsevier, New York.
- Cook, R. S. 1980. Downtown urban design : how cities control development, Lexington, Lexington Book.
- Corner, J. 2006. Terra Fluxus, in Waldheim, C. (Ed) the landscape urbanism reader, (pp. 21-34) New York : Princeton Architectural Press.
- Cowan, R. 2005. the Dictionary of Urbanism, Streetwise Press, London.
- Cullen, G. 1961. Townscape, the Architectural Press, London.
- DETR. 2000. By Design-Urban Design in the Planning System : towards better Practice : Department of the Environment, Transport and the Regions, London.
- Faizi, M. , Behzadfar, M. and Razzaghi asl, S. 2010. A proposed collaborative pattern between landscape architects and urban designers in environmental design, American journal of environmental Sciences, 6 (4), 343-349

- Gavitt, J.2007. **a proposal for general education focused on the built community and environment**, M. S. State University of New York College of Environmental Science and Forestry.
- Gavitt, E.2007. **Landscape Architecture Instructional Methods**, Unpublished Master Thesis, University of Texas.
- Gosling, D.1984. **Concepts of urban design**, Academy Editions, London.
- Gray, C.2005. **from emergence to divergence : modes of landscape urbanism**, Unpublished Master thesis, University of Edinburgh.
- Gutheim, F.1963. **Urban space and urban design**, in : L. Wingo (ed) Cities and space : the future use of urban land, the Johns Hopkins Press, Baltimore, pp. 103-131.
- Keating, S.2006. **Explicating a model of interdisciplinary collaboration**, Ph. D. , University of Pennsylvania.
- Kesner, B. & Nelischer, M. & Burcher, L. & Del Rio, V. (2002) **A Model for undergraduate study in urban design**, California Polytechnic State University.
- Krieger, A.2009. **Where and How Does Urban Design Happen?** In Krieger, A. & Saunders, W. S. (Eds.) Urban Design (PP. 113-130), London : University of Minnesota.
- Lindholm, G.2007. **Landscape urbanism – large-scale architecture, ecological urban planning or a designedly research policy**, SLU University, senior lecture.
- Lu, W.1982. **skills for todays practice**, in A. Ferebee (ed), Education for Urban Design.
- Madanipour, A.2006. **Roles and Challenges of Urban Design**, Journal of Urban Design. V. 11, No. 2, pp. 173-193.
- Mossop, E.2006. **Landscape of Infrastructure, in the Landscape Urbanism Reader**, (ed.) Waldheim, C. , Princeton Architectural Press, New York.
- Moughtin, K.2005. **Urban design : green dimensions**, London, Architectural Press.
- Moughtin, K.1995. **Urban design-street and square**, Oxford, Butter Worth Architecture.
- Newton, N.1971. **Design on the Land : The Development of Landscape Architecture**, Harvard University Press & Belknap Press, Cambridge.
- Onaran, B.1996. **Conceptions of Professional Identity in Design : the Social Construction of skills, knowledge & professional roles in Environmental Design Culture**, Unpublished PhD dissertation, University of Wisconsin-Madison.
- Pollak, L.2006. **Constructed ground : questions of scale**, in Waldheim, C. (Ed) the landscape urbanism reader, (pp. 125-140) New York : Princeton Architectural Press.
- Shane, G.2003. **the Emergence of Landscape Urbanism**, Harvard Design Magazine.
- Shirvani, H.1984. **the Role of Landscape Architecture in Urban Design**, the Journal of Landscape Architecture, No. 7, March –April.
- Shirvani, H.1985. **the Urban Design Process**, Van Nostrand Reinhold Company, New York.
- Waldheim, C.2006. **Landscape as Urbanism, in Waldheim, C. (Ed) the landscape urbanism reader**, (pp. 35-54) New York : Princeton Architectural Press.